

## مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)

سید علیرضا قاضی میرسعید \*

حسین تاج آبادی \*\*

دریافت مقاله: ۹۵/۲/۱

پذیرش نهایی: ۹۵/۷/۱۷

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مفهوم توسعه و پیشرفت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب انجام شده است. داده‌های پژوهشی از بیانات و سخنرانیهای ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ انتخاب شده است. هم‌چنین برای جلوگیری از روی آوردن به تفسیر از بیاناتی استفاده شد که در آنها به طور صریح و مشخص، کلمه توسعه یا پیشرفت بیان شده است. پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش شبکه مضامین از روشهای تحلیل مضمون، سه مضمون قدرت درونزا، اقتصاد دانشی عدالت محور و اسلامی بودن پیشرفت را به عنوان مضامین فراگیر پیشرفت و نتایج این پژوهش ارائه کرده است. **کلیدواژه‌ها:** توسعه و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اندیشه‌های مقام معظم رهبری، پیشرفت در اندیشه رهبری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

مفهوم توسعه<sup>۱</sup> از مفاهیم مهم زمان ما است به گونه‌ای که کشورهای دنیا و اجتماعات بشری را بر اساس آن، طبقه‌بندی می‌کنند.

در چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴، ایران باید به کشوری توسعه‌یافته تبدیل شود که در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح آسیای جنوب غربی قرار گیرد. هم‌چنین در سند نهایی چشم‌انداز بیست ساله تأکید شده است: «ایران کشوری متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی خواهد بود».

از یک طرف مطابق با چشم‌انداز به عنوان سند بالادستی که به تأیید رهبری انقلاب رسیده است، ایران باید توسعه‌یافته شود. آیا منظور از توسعه همان مفاهیم کشورهای دیگر است؟ مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد تصریح کردند: "به طور قاطع می‌گویم الگوی غرب برای توسعه، یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزشهای انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند." ایشان از سال ۱۳۶۸، که رهبری انقلاب را برعهده گرفتند، همواره به تبیین لزوم توسعه کشور پرداخته و در سالهای اخیر نیز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مطرح نموده‌اند و اصرار دارند که لفظ و مفهوم پیشرفت جایگزین مفهوم توسعه شود و در این زمینه بارها در بیانات و سخنرانیهای خویش، نکاتی را به مسئولان یادآور می‌شوند. به رغم اینکه ایشان در سال ۸۹ به طور صریح و به فرموده خویش، عمداً از لفظ پیشرفت به جای توسعه استفاده نموده و عرصه‌های پیشرفت را نیز در چهار مقوله فکر، علم، زندگی و معنویت برشمرده‌اند، هنوز تفاسیر متعددی در مورد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سوی اندیشمندان کشور مطرح می‌شود. هم‌چنین تأکیدات مکرر رهبری انقلاب تاکنون، نشان از عمق و پیچیدگی این مفهوم دارد به طوری که این مفهوم در یک کلمه نمی‌گنجد و به تبیین بیشتر نیاز دارد؛ لذا راهکار مهم و اساسی برای رسیدن به توسعه و پیشرفت کشور، تبیین اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در این حوزه است

بنابراین مسئله اساسی این تحقیق "تیین مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب است."

در ایران الگوهای متعددی برای توسعه استفاده شده که در ظاهر بهترین راه حل عبور از عقب ماندگی و ورود به دروازه توسعه یافتگی بوده است؛ اما به دلیل پیچیدگی و چند بعدی بودن مفهوم توسعه و پیشرفت و مطابقت نداشتن الگوهای ارائه شده با نیازها و مقتضیات بومی کشور، این الگوها نتوانسته است موفقیت زیادی به دست آورد و عملاً با شکست رو به رو شده است. از طرفی ورود مقام معظم رهبری به مسئله توسعه و مطرح کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان الگوی بومی فراگیر، نشان از اهمیت ویژه مسئله دارد. از سوی دیگر توجه همزمان ایشان به بعد مادی و معنوی توسعه و پیشرفت، بی شک می‌تواند چراغ راه پیشرفتهای اساسی انقلاب و جامعه باشد. کوتاهی در تبیین مفهوم کامل توسعه و پیشرفت می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری برای کشور به دنبال داشته باشد و گام نهادن در این مسیر با چراغ روشنی چون اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، موجب طی صحیح و با شتاب حرکت رو به جلوی کشور می‌شود.

با در نظر گرفتن این ملاحظات، هدف این مقاله، تبیین مفهوم توسعه و پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری است؛ لذا سؤال اصلی تحقیق این است: "مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه‌های مقام معظم رهبری چیست؟"

## پیشینه پژوهش

### میانی نظری

#### توسعه

توسعه واژه‌ای پیچیده و چند بعدی است که از نظر مفهومی با تغییرات و تحولات تاریخی فراوانی روبه‌رو بوده است. گاهی به مدرن شدن و گاهی به غربی شدن تعریف شده است و لذا برخی فرایند توسعه را نوعی مهندسی اجتماعی قلمداد کرده‌اند. اما با آشکار شدن آثار و پیامدهای ناخواسته چنین برداشتی، تغییر در مفهوم توسعه متناسب با فرهنگ بومی ملتها ضرورتی انکارناپذیر بوده است (موحدی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در مغرب زمین، فکر و اندیشه توسعه در سده روشنگری (رنسانس) بروز و ظهور یافت و

نشانه‌های آن در عصر انقلاب صنعتی آشکار شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، مسئله توسعه به عنوان یکی از مهمترین مسائل در محافل دانشگاهی و نیز مراکز برنامه‌ریزی کشورهای مختلف جهان مطرح شد. از آنجا که جهان پیشرفته و هم‌چنین کشورهای عقب‌مانده در نتیجه دو جنگ جهانی و نیز فروپاشی دولتهای استعماری در آستانه طراحی دوباره بنای اقتصادی و اجتماعی کشورهای خود قرار گرفته بودند، این مسئله، که چگونه می‌توان ضمن سریع‌تر بنا کردن این نظام اقتصادی و اجتماعی، بهبود و تکامل واقعی آن را نهادینه کرد در معرض توجه قرار گرفت و این نکته را می‌توان مسئله مرکزی و اساسی توسعه دانست. در اوایل دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، که سازمان ملل آنها را به نام دهه‌های توسعه نام‌گذاری کرد، توسعه و نیز گرایشهای نژادپرستی به صورت موج گسترده‌ای در اروپا، امریکای شمالی و بین‌نخبگان کشورهای نیمه صنعتی انتشار یافت. در این کشورها در بیشتر موارد، مفهوم توسعه با مفهوم غربگرایی یا اروپاگرایی همراه بود. براساس این گرایش، ملتها و جوامعی که بخش عمده کره زمین را تشکیل می‌دادند، ابتدا عقب‌مانده و بعد از مدتی با عناوین توسعه نیافته یا در حال توسعه توصیف شدند (علوی، ۱۳۸۶).

تا قبل از دهه هفتاد میلادی در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و ارزشهای فرهنگی، جایگاهی درخور نداشت و عوامل اقتصادی، محور مباحث توسعه را تشکیل می‌داد؛ اما از دهه هفتاد به بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان، چنین نگرشی را برناتافتند و به ارزشی بودن توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرویدند. توسعه، که پیش از این، صرفاً اقتصادی و با رشد تولید ملی مساوی تلقی می‌شد، پس از آن در کنفرانسهای سازمان ملل متحد، عوامل دیگری مانند عوامل فرهنگی، مورد عنایت قرار گرفت و چگونگی توزیع منابع رشد در کانون توجه واقع شد (نظرپور، ۱۳۷۸).

«استفاده وسیع از اصطلاحات توسعه به عنوان چهارچوب به مفهومی برای اطلاق به تغییرات بین‌المللی، ملی، نهادی و فردی و هم‌چنین کاربرد این اصطلاح به جای "پیشرفت"، پدیده‌ای است که به دوران پس از جنگ جهانی دوم تعلق دارد. اصطلاح توسعه در دهه ۱۹۴۰ و بویژه در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با مفاهیمی چون "رشد"، "نوگرایی"، "دموکراسی"، "اخلاقیت"، "صنعتی‌شدن" و پاره‌ای از تغییرات تاریخی و تکوینی مربوط به غرب، مترادف بود. اصطلاح توسعه، که ابتدا توسط پژوهشگران و سیاستگذاران امریکایی (و در میان آنان) محبوبیت یافت و سپس بسرعت به اروپا و بویژه به کشورهای کمتر صنعتی جهان معرفی شد، به رغم مفهوم نارسا و کمک آن در سطح جهان

به بحث عمده سازمانهای بین‌المللی تبدیل شد» (مولانا، ۱۳۷۱: ۲۴).

سید حمید مولانا با نگاه انتقادی به مقوله توسعه و تاریخچه آن، آن را در مفهوم امروزی به معنای غربی شدن و اروپایی شدن می‌داند که غرب بر کشورهای در حال توسعه تحمیل کرده و معیار و شاخص آن را نیز همان غربی شدن و صنعتی شدن قرار داده است (مولانا، ۱۳۷۱: ۳۳).

مایکل تودارو<sup>۱</sup> می‌گوید: "توسعه جریانی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است" (تودارو، ۱۳۷۷: ۲۳).

میلتون فریدمن<sup>۲</sup>: توسعه، روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی است (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۳۶).

#### پیشرفت

مفهوم پیشرفت<sup>۳</sup> برای روشن کردن نقش فعال، بالقوه و خلاق ارزشهای اجتماعی - فرهنگی در مفاهیم رشد و توسعه مطرح می‌شود. در این تعریف از پیشرفت، نیازهای مادی و معنوی انسان در رسیدن به توسعه با هم در نظر گرفته شده است؛ توسعه‌ای که افزون بر افزایش تولیدات اقتصادی، انباشت سرمایه، ملاحظات زیست‌محیطی و منابع طبیعی بین‌نسلی، تغییر ساختار اجتماعی، سیاسی و نهادی، قرین بودن آن را با مقوله کرامت انسانی، مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. بنابراین به این نکته اساسی باید توجه کرد که سخن از پیشرفت بدون تلاش جدی برای یافتن ارزشهای عمیق و قابل تحقق انسانی، گفته‌ای فریبنده و بی‌محتواست. موضوع پیشرفت، یکی از کهن‌ترین دغدغه‌های اندیشه بشری در طول تاریخ بوده که البته بیشترین تأثیر و نفوذ را در سبک زندگی و چگونگی ساخت نظامهای اجتماعی داشته است. در واقع، این شاخص‌ها و معیارهای پیشرفت است که در هر برهه از تاریخ اندیشه و تمدن انسان، متغیر و متفاوت معرفی شده است؛ با این حال در بررسی اولیه به آسانی مشخص می‌شود که برداشت انسان از مفهوم پیشرفت از آغاز تاریخ، ناشی از زاویه دید و مفروضات ارزشی و شناختی جهان‌بینی وی بوده است. تحلیل و بررسی عمیق الگوهای پیشرفت نشان می‌دهد، مفاهیمی همچون رقابت، همکاری، آزمایش، اختیار، تسلط، تعالی، تکلیف، آزادی، منفعت، عبادت و از همه مهمتر، نقش و مفهوم خدا و چگونگی برداشت انسان از این مفهوم و

1 - Michael Todaro

2 - Milton Friedman

3 - Progress

ارتباط انسان با خدا، جوهر اصلی شکل‌دهنده نظامهای اجتماعی بویژه الگوهای پیشرفت در طول تاریخ و حیات بشری، پنداشته می‌شود. از این رو بر اساس پیچیدگی موضوع، عامل اصلی اختلاف نظر در تلقی نظریه‌پردازان و طراحان الگوها از مفهوم پیشرفت در خداشناسی آنان ریشه داشته است. اگرچه در هر برهه از تاریخ، شناخت انسان از خدا و گرایشهای الهی وی، پررنگتر بوده، پیشرفت و رشد انسان و جامعه نیز واقعی‌تر، جامع‌تر و با نظام آفرینش هماهنگ بوده است. پیشرفت، چند بُعدی است و همه شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. بنابراین با توجه به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع گوناگون، الگوهای پیشرفت، متناسب با کشورهای مختلف با هم متفاوت است (مارک<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴).

«پیشرفت»، دغدغه اساسی انسان معاصر است؛ بنابراین، پرسش از شیوه‌ها، ابزارها و سازوکارهای رسیدن به مفهوم پیشرفت از نظر نظام سرمایه‌داری باید بر جهان‌بینی مادی منطبق باشد؛ زیرا نظام سرمایه‌داری تنها جنبه مادی و معنوی انسان را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که با دنیای مادی کنونی مرتبط است و جنبه زندگی اخروی انسان را در نظر نمی‌گیرد. در نگرشی دیگر، که از اندیشه سوسیالیستی برخاسته است به جای اینکه هدف پیشرفت به زندگی سعادت‌آمیز معطوف شود، صرف تولید کالاهای مادی می‌شود. در این زمینه، مارکس و انگلس نیز مقصودشان را از پیشرفت بروشنی و صراحت بیان کرده و اصطلاح اخلاقی «آزادی» را برای آن به کار برده‌اند (مارک، ۱۳۷۴).

گاندی در انقلاب صنعتی هیچ پیشرفتی نمی‌بیند؛ بلکه حتی آن را گامی به عقب می‌داند؛ زیرا وی در این انقلاب انسان را در خدمت ماشین می‌بیند، نه ماشین را در خدمت انسان (مارک، ۱۳۷۴).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و (ای پیامبر به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت من از گلی خشکیده که از گل بدبویی گرفته شده است، بشری می‌آفرینم. هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و از روح خود در او دمیدم، همگی برایش سجده کنید» (حجر/ ۲۸ و ۲۹).

در تعریفی که آیت‌الله جوادی آملی از پیشرفت ارائه کرده است: «پیشرفت فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیانهای اقتصادی - اجتماعی است و انسان

در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹). بنابراین، پیشرفت در آموزه‌های اسلامی، جریانی پویا و پیوسته و همه‌جانبه با هدف به کمال رسیدن انسان است.

#### سابقه پژوهش

محمود سریع‌القلم در تحقیق خود برای توسعه هفت اصل را بیان می‌کند که عبارت است از:

۱- بافت و تواناییهای فکری سازماندهی هیأت حاکم؛ اگر جامعه‌ای بخواهد، توسعه پیدا کند، باید انتخاب کند و تصمیم بگیرد. این انتخاب و تصمیم از سوی هیأت حاکم صورت می‌گیرد و وقتی هیأت حاکم تصمیم به توسعه گرفت از امکانات و قدرت فکری و سازماندهی خود برای تشریح حرکت، بسیج نیروها و حمایت همه‌جانبه استفاده می‌کند.

۲- توجه به علم؛ نهادی شدن علم در جامعه، استدلال، مطالعه، تحقیق، بحث و گفتگو، اندیشه و روحیه علمی را به دنبال می‌آورد. جامعه علمی، منطق عینی را جایگزین روشهای دیگر، و زمینه‌های اندیشه منظم و عمل و واکنش استدلالی و روحیه تحقیق و پژوهش را فراهم می‌کند. در چنین جامعه‌ای، انسان از ذهن‌گرایی و تصحیح‌ناپذیری به سوی عینیت، محاسبه بهبود و انتقادپذیری حرکت می‌کند و توسعه با ابزار علم حاصل می‌شود.

۳- نظم؛ اقدامات توسعه جامعه، شدیداً به نظم و ترتیب در تمامی شئون زندگی وابسته است.

۴- آرامش اجتماعی و فردی؛ جامعه‌ای دارای آرامش اجتماعی است که در تمامی سطوح آن روح تصحیح‌نگری و تصحیح‌پذیری نهادینه شده باشد. مراد از آرامش اجتماعی، وجود و تداوم ارزشها و ابزاری است که حرکت تکاملی و تصحیحی جامعه را به سوی وضع مطلوب میسر می‌کند؛ اما آرامش فردی اطمینانی است که افراد جامعه در برابر موقعیت خود و موقعیت جامعه در خود احساس می‌کنند.

۵- نظام قانونی؛ افراد به دلیل وجود سامانه قانونی محکم به ثبات مستقل و عادلانه، که حامی آنان در کسب امکانات، امتیازات و حقوق قانونی باشد، روحیه کار، فعالیت و مسئولیت‌پذیری پیدا می‌کنند.

۶- نظام آموزش؛ اجتماعی که در آن مراکز آموزشی و پژوهشی به تربیت کادر متخصص و علمی و ایجاد نوآوری می‌پردازند، توسعه جدیت می‌یابد و نوآوری، ابداع، نظریه‌پردازی و حرکت از وضع موجود به مطلوب، چه در ذهن و چه در عمل، اهمیت پیدا می‌کند.

۷- فرهنگ اقتصادی؛ برای حدوث توسعه، ایجاد فرهنگ اقتصادی در جامعه لازم است که این

فرهنگ عناصری همچون دقت در کار، قانون‌پذیری، عمل در حدود اختیارات، توجه به نظم و سازماندهی و مقدم شمردن اهداف مملکتی بر اهداف گروهی و شخصی را شامل می‌شود. در جوامع توسعه‌یافته، کارکردن، تولید و نهایت بهره‌برداری از زمان و مکان از جمله ویژگیهای فرهنگی است که به صورت نهادی در خدمت اقتصاد قرار گرفته‌اند (سریع‌القلم، ۱۳۶۹).

مایکل تودارو در بیان ذوابعاد بودن توسعه، این پدیده را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تجدید سازمان و جهتگیری مجموعه نظام اجتماعی و اقتصادی کشور است و علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید آشکار، متضمن تغییرات بنیادی در ساختهای اجتماعی، نهادی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد، حتی آداب و رسوم و اعتقادات است (علوی، ۱۳۸۳).

صیامی ویژگیهای لازم توسعه را هشت تا می‌شمارد که عبارت است از: سیر صعودی گذار، تغییرات اساسی در ساختارهای کلی جامعه، بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و معیشت عامه مردم، پیشرفت علم و فناوری، استفاده از فناوری مدرن روز در فعالیتهای تولیدی و صنعتی، ایجاد نهادهای مناسب به منظور جهت بخشیدن به فرایند توسعه به منظور نیازهای جامعه، همکاری همراه با آگاهی توده مردم در فرایند درازمدت توسعه و تغییر اوضاع اقتصادی و تولیدی جامعه از مرحله اقتصاد و معیشتی به اقتصاد تجاری و بین‌المللی (علوی، ۱۳۸۳).

مصطفی ازکیا در نتیجه‌گیری خود از بحث توسعه، آن را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی‌شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در کارهای سیاسی جاری تعریف می‌کند. وی ابعاد توسعه را در الگوهای رایج به این شرح بیان کرده است:

۱ - توسعه اقتصادی؛ فرایندی است که طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحوّل در درجه اول، کاهش نابرابریهای اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. امروزه توسعه اقتصادی تنها در چارچوب نظریه خالص اقتصادی مورد توجه نیست؛ بلکه بنابه گفته "گونامیردال"<sup>۱</sup>، رشد و توسعه اقتصادی مسئله اجتماعی - سیاسی و فرهنگی است.

۲ - توسعه اجتماعی؛ این نوع توسعه با چگونگی و شیوه زندگی افراد جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر افزایش سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد وضع مطلوب و



بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است.

۳ - توسعه سیاسی؛ توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی را فراهم می‌کند و حاصل آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است.

۴ - توسعه انسانی؛ توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات بشر افزایش می‌یابد. این نوع توسعه، که مردم را در محور فرایند توسعه قرار می‌دهد و نه صرف افزایش ثروت و درآمد را، عناصری همچون برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده و فرصت داشتن برای دستیابی به نقش خلاق و سازنده را در بر می‌گیرد. البته تأکید این نوع توسعه بر شاخص طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند است.

۵ - توسعه فرهنگی؛ این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ از سوی یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخشهای توسعه از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیر مادی افراد جامعه دارد. براساس این توسعه، تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسانها پدید می‌آید که توان، باورها و شخصیت ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این توان و باورها، رفتارها و کنشهای مناسب توسعه است.

۶ - توسعه ملی؛ فرایند توسعه همه جانبه‌ای است که ابعاد گوناگون توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی (دفاعی) و ارتباطات متقابل آنها را در برمی‌گیرد به گونه‌ای که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار دارد و در کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل، یکدیگر را کامل و پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورد (از کیا، ۱۳۸۰).

#### مقایسه توسعه با پیشرفت

امروزه در ادبیات جامعه‌شناختی غرب از توسعه سخن می‌رود و بحثهای مرتبط با پیشرفت جایگاه چندانی ندارد. از دیدگاه آنها پیشرفت حاصل توسعه است؛ به این معنا که اگر توسعه را برنامه‌ای آگاهانه در جهت ارتقای سطح کیفی همه ابعاد زندگی در نظر آوریم، جامعه‌ای که چنین برنامه‌ای را در خود تحقق بخشد، پیشرفته به شمار می‌رود. امروزه آمریکا و کشورهای غربی در اوج این توسعه‌یافتگی هستند و کشورهای دیگر هم برای رسیدن به توسعه‌یافتگی باید متوجه این معنا باشند که غرب چگونه توسعه یافته است. در این نگاه برای توسعه یافتن، باید به بسترهای

توسعه در غرب توجه نشان داد و آن‌گاه باید فرهنگ و ارزشهای بومی و خودی را برای دستیابی بدان تغییر داد. اگر بحث توسعه را مطرح سازیم و آن را عام بدانیم، دیگر نمی‌توان از الگوهای بومی سخن به میان آورد. از این‌رو ناچاریم بگوییم که توسعه یک الگو بیشتر ندارد و آن هم اتفاقی است که در غرب افتاده است.

در مقابل، پیشرفت جهات فرهنگی، معنوی، اخلاقی و ابعادی متناظر و متناسب با فرهنگ جامعه الزاما ممکن است در تعریفی خاص از توسعه قرار نگیرد. وقتی به طور مثال توسعه را با الگوهای رایج آن در نظر می‌گیریم در آنجا نمی‌توان از تعالی اخلاقی و معنوی دم زد؛ بلکه باید بیشتر به دنبال توسعه اقتصادی بود. حتی زمانی که بحث توسعه همه‌جانبه مطرح می‌شود، باز در آن ابعاد اخلاقی و معنوی را نمی‌توان دید. در نظریه‌های رایج توسعه و نوسازی بیشتر بر رشد اقتصادی شاخصهای گوناگون توجه می‌شود.

می‌توان گفت پیشرفت، توسعه را هم دربر دارد و توسعه الزاما پیشرفت را دربر ندارد. اگر پیشرفت را اساس و نوعی برون‌شدگی از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب در نظر بگیریم و نگاه جامعی به این برون‌شدگی داشته باشیم و از جهت‌های این برون‌شدگی هم غفلت نکنیم، آن‌گاه می‌توان گفت که پیشرفت، توسعه را هم دربر دارد.

در این رویکرد عنوان می‌شود که عقب‌ماندگی کشورهای غیر غربی به کشورهای توسعه یافته ربطی ندارد و عامل را باید در خود آنها جست؛ پس، اگر توسعه را با پیشرفت خلط نکنیم و ابعاد روحی، معنوی و اخلاقی را در آن نه مستقل از ابعاد دیگر توسعه، بلکه مرتبط با آنها لحاظ کنیم و البته روح را در این ارتباط به فرهنگ بدهیم یعنی توسعه جامع و فرهنگی را دنبال کنیم، می‌توان پای الگوهای بومی از جمله اسلامی - ایرانی را به میان کشید.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر مبنای هدف، بنیادی، و از لحاظ ماهیت از نوع تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، یکی از روشهای پایه‌ای و کارآمد تحلیل کیفی است (براون، ۲۰۰۶). در واقع، تحلیل مضمون، روش شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی است. مطابق با

جدول ۱ تحلیل مضمون به روشهای گوناگونی قابل اجرا و استفاده است که یکی از آنها شبکه مضمونها است.

جدول ۱: روشهای تحلیل مضمون

روشها	توصیف	ارائه کننده روش
قالب مضمونها	در پژوهشهایی که تعداد متون و داده‌های آن زیاد باشد (ده تا سی منبع) به کار می‌رود.	کینگ و هوراکز <sup>۱</sup> (۲۰۱۰)
ماتریس مضمونها	برای مقایسه مضمونها با یکدیگر و یا مقایسه آنها در منابع داده‌ها استفاده می‌شود.	مایلز و هابرمین <sup>۲</sup> (۱۹۹۴)
شبکه مضمونها	شبکه مضمونها نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازماندهنده و روش نمایش عرضه می‌کند.	آتراید و استیرلینگ <sup>۳</sup> (۲۰۰۱)

مطابق با تعریف شیخ راده و همکاران "شبکه مضمونها بر اساس روندی مشخص، پایینترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضمونها پایه)؛ سپس با دسته‌بندی مضمونها پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست می‌یابد (مضمونها سازمان دهنده)؛ در قدم سوم این مضمونها عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شود و به صورت مضمونها حاکم بر کل متن در می‌آید (مضمونها فراگیر)؛ سپس آنها به صورت نقشه‌ای شبیه تارنما، رسم، و مضمونها برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. روش شبکه‌های مضمونها به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شود تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب میان آنها از بین برود که باعث شناوری مضمونها، و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تاکید شود" (شیخ زاده و همکاران، ۱۳۹۰). تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم نمود: اول تجزیه متن، دوم کشف متن و سوم یکپارچه کردن کشفها (آتراید و استیرلینگ، ۲۰۰۱).

مراحلی که برای یافتن شبکه مضمونی لازم است طی شود در جدول ۲ نشان داده شده است.

1 - King. & Horrocks  
 2 - Miles. & Huberman  
 3 - Attride - Stirling. J

جدول ۲: مراحل تنظیم شبکه مضمونی (آتراید و استیرلینگ، ۲۰۰۱)

مرحله تحلیلی	گام	اقدام
تجزیه متن	گام اول: شناسه‌گذاری	تهیه چارچوب شناسه‌گذاری تجزیه متن به بخشهای کوچکتر با استفاده از چارچوب شناسه‌گذاری
	گام دوم: تعریف مضمونها	استخراج مضمونها از بخشهای شناسه‌گذاری شده متن تصحیح مضمونها
	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضمونها یافتن مضمونهای پایه‌ای بازآرایی مضمونهای پایه‌ای برای یافتن مضمونهای سازمان‌دهنده استخراج مضمونهای فراگیر ترسیم شبکه(های) مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه(های) مضمونی
کشف متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه کشف شبکه
	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	
یکپارچه سازی کشفها	گام ششم: توصیف الگوها	

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجا که مقام معظم رهبری از ابتدای انتخاب به عنوان رهبری، همواره با کلید واژه‌های گوناگونی سعی در روشن کردن مسیر حرکت رو به جلوی جمهوری اسلامی ایران داشتند، داده‌های این پژوهش از بیانات و سخنرانیهای ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ انتخاب شده است و هم‌چنین برای جلوگیری از روی آوردن به تفسیر با مراجعه به سایت بیانات ایشان و جستجوی کلیدواژه‌های "توسعه" و "پیشرفت" از بیاناتی استفاده شد که به طور صریح و مشخص، کلمه توسعه یا پیشرفت بیان شده است. از طرفی مقام معظم رهبری در بیانات خود در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۸۹/۰۹/۱۰ عرصه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را به چهار

عرصه اساسی به شرح ذیل مشخص کرده‌اند:

در درجه اول، پیشرفت در عرصه فکر است.

عرصه دوم، که اهمیتش از عرصه اول کمتر است - عرصه علم است.

عرصه سوم، عرصه زندگی است.

عرصه چهارم، که از همه مهمتر و روح همه آنهاست، پیشرفت در عرصه معنویت است.

همان طور که خود ایشان فرموده‌اند، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه جامع و سند بالادستی است نسبت به همه اسناد برنامه‌ای و چشم‌انداز و سیاست‌گذاریهای کشور؛ بنابراین در این پژوهش برای اینکه بتوانیم به مضمون‌هایی برسیم که پیشرفت را از نگاه مقام معظم رهبری تعریف کند، عرصه‌های معرفی شده ایشان را در نظر نگرفتیم تا خود را محدود نکنیم.

الگوریتم تجزیه و تحلیل پژوهش

همان طور که در بخش روش بیان شد این پژوهش با روش شبکه مضمونها از روشهای تحلیل

مضمون انجام شده است و الگوریتم پژوهش به شکل ذیل ارائه می‌شود:



شکل ۱: الگوریتم پژوهش مطابق با شبکه مضمون آتراید - استیرلینگ

### یافته‌های پژوهش

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است مضمونهای پایه‌ای از متون اصلی استخراج شود. در اینجا متون اصلی، که نقل قولهایی از رهبری انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ است، انتخاب شده و در قالب شناسه‌هایی سازماندهی شده است. هر کدام از این نقل قولها حاوی مضمونی

است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود و سایر گامها به شرح جدولهای ۳ و ۴ انجام می‌گیرد:

جدول ۳: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱	پیشرفت باید حقیقی باشد، عمیق باشد و متکی به پایه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی باشد (۹۴/۱۲/۲۰).	پیشرفت باید متکی به پایه‌های محکم داخلی باشد.
۲	جوری بایستی حرکت بکنید که اگر چنانچه تحریم هم بکنند و فشار هم وارد بیاورند، پیشرفت شما متوقف نشود (۹۴/۱۲/۲۰).	جوری حرکت کنید که تحریم، پیشرفت را متوقف نکند.
۳	اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادیمان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملیمان را حفظ کنیم. و هویت ملیمان را حفظ کنیم، هضم نشویم و در هاضمه خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم (۹۴/۱۲/۲۰).	حرکت جهادیمان را حفظ کنیم؛ عزت و هویت ملیمان را حفظ کنیم.
۴	اگر چنانچه کشور این سه اولویت را (اقتصاد مقاومتی، جهش علمی، مصون‌سازی فرهنگی) مورد ملاحظه قرار داد، پیشرفت خواهد کرد.	پیشرفت در گروی سه اولویت اقتصاد مقاومتی، جهش علمی و مصون‌سازی فرهنگی است.
۵	عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهمترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند (۸۵/۸/۱۸).	رابطه با خدا و معنویت‌گرایی مهمترین عامل پیشرفت است.
۶	پیشرفتی که در خدمت طبقه سرمایه‌دارها باشد، پسرفت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست (۸۵/۸/۱۸).	پیشرفت باید با هویت مستقل ملی همراه باشد.
۷	زبان ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌بازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم (۸۵/۸/۱۸).	پیشرفت باید هویت اسلامی ملی و استقلال را حفظ نماید.
۸	در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد. ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم (۹۴/۶/۴).	پیشرفت اقتصادی باید با عدالت همراه باشد.
۹	پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تملک پرجلوه غرب، امروز دارید مشاهده می‌کنید (۹۲/۶/۶).	پیشرفت باید با عدالت همراه باشد.

## ادامه جدول ۳: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱۰	پیشرفت ما، ترقی ما، استقرار عدالت در میان ما به پیشرفت و توسعه عدالت در دنیای اسلام و در نهایت در همه جهان کمک می‌کند (۹۱/۳/۳).	پیشرفت ما به پیشرفت دنیای اسلام کمک می‌کند.
۱۱	ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم. یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپایی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است. در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد (۸۸/۲/۲۷).	روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط لازمه پیشرفت است.
۱۲	هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد. این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل‌کند و دنباله‌روی کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است؛ یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است (۸۸/۲/۲۷).	استقلال یکی از شاخصهای پیشرفت و از الزامات حتمی آن است.
۱۳	مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری	ابعاد پیشرفت شامل اقتصادی، علمی، اقتدار و امنیت و استقلال، اخلاق، معنویت است.
۱۴	هم‌چنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد.	از ابعاد پیشرفت قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی است.

## ادامه جدول ۳: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱۵	پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوء استفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقا ببخشیم.	از ابعاد پیشرفت وحدت و انسجام ملی است
۱۶	پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند.	پیشرفت باید با رفاه عمومی همراه باشد.
۱۷	مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی در همه این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود.	مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی از جنبه‌های پیشرفت بشود.
۱۸	علاج کار کشور عبارت است از بیداری مردم، حفظ انگیزه‌های ایمانی مردم، به‌کار گرفتن جوانان پُرانگیزه و مؤمن و تقویت درونی کشور؛ این تنها راه است. ملت ایران باید از درون قوی بشود؛ اقتصادش قوی بشود؛ علمش قوی بشود؛ دستگاه‌های مدیریتی‌اش قوی بشود و بالاتر از همه، ایمانش روزبه‌روز قوی‌تر بشود. این راه علاج است (۹۴/۱۱/۲۸).	علاج کشور پیشرفت درونزا است.
۱۹	رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود؛ برنامه‌ریزی کنند و راهش را پیدا کنند (۸۵/۳/۲۹).	رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود.
۲۰	نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند (۸۳/۶/۴).	باید عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم.
۲۱	مبارزه با مفسده اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور کمک خواهد کرد (۸۰/۵/۱۱).	مبارزه با مفاسد اقتصادی به رشد اقتصادی کمک می‌کند.
۲۲	اگر ملتی با اتحاد کلمه در میدان اقتصاد وارد شود، پیشرفت می‌کند (۷۹/۱/۶).	اتحاد ملی در اقتصاد موجب پیشرفت است.
۲۳	اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است (۷۴/۷/۲۲).	پیشرفت مادی و معنویت‌گرایی، حیات طیبه است.



## ادامه جدول ۳: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۲۴	یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیشرانی در علم و تمدن جهانی است. یک ملتی بتواند در مجموعه دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیشران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیبه است (۹۴/۶/۲۵)	پیشرانی در علم و تمدن جهانی از اجزای حیات طیبه است.
۲۵	غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفتهای مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرفهای جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند (۹۴/۶/۲۵).	فساد اخلاقی مایه سقوط پیشرفت مادی است.
۲۶	امروز مقابله با دشمنی‌های دشمن و رفع همه این گرفتاریها با ایستادگی ملت، با تکیه بر تواناییهای درونی کشور، با اعتماد به خدایی که دلها را این جور آماده کرده است و به این جهت هدایت کرده است، ممکن است (۹۲/۱۰/۱۹).	رفع همه گرفتاریها با ایستادگی و تکیه بر تواناییهای درونی کشور و اعتماد به خدا ممکن می‌شود.
۲۷	اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. این شاخص اول است (۹۲/۶/۶).	اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است.
۲۸	رمز پیروزی و تداوم حرکت، توکل به خدا، حسن ظن به خدا، اعتماد به خدای متعال و حفظ وحدت و پیوستگی است (۹۰/۱۱/۱۰).	توکل و اعتماد به خدای متعال و حفظ وحدت و پیوستگی رمز پیروزی و تداوم حرکت است.
۲۹	خب، پیشرفت شاخصهایی دارد. یکی از شاخصهای پیشرفت یک ملت، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است. ادعای من این است که با لحاظ این شاخص، ملت ما پیشرفت زیادی کرده است (۹۱/۷/۲۲).	یکی از شاخصهای پیشرفت، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است.

در جدول ۴، مضمونهای سازمان‌دهنده و مضمونهای فراگیر استخراج و شناسایی می‌شود.

جدول ۴: تبدیل مضمون پایه‌ای به سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	مضمون پایه‌ای	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای فراگیر
۱	پیشرفت باید به پایه‌های محکم داخلی متکی باشد.	اتکا به توان داخلی	ساخت قدرت درونی و ایجاد اقتدار درونزا
۲	جوری حرکت کنید که تحریم پیشرفت را متوقف نکند.		
۳	علاج کشور پیشرفت درونزا است.		
۴	رفع همه گرفتاریها با ایستادگی و تکیه بر تواناییهای درونی کشور و اعتماد به خدا ممکن می‌شود.		
۵	حرکت جهادیمان را حفظ کنیم؛ عزت و هویت ملیمان را حفظ کنیم.	حفظ استقلال و وحدت و هویت ملی	
۶	پیشرفت باید با هویت مستقل ملی همراه باشد.		
۷	پیشرفت باید هویت اسلامی ملی و استقلال را حفظ نماید.		
۸	از ابعاد پیشرفت وحدت و انسجام ملی است.		
۹	استقلال یکی از شاخصهای پیشرفت و از الزامات حتمی آن است.	عزم و اعتماد به نفس ملی شاخص پیشرفت	
۱۰	مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده ملی از جنبه‌های پیشرفت بشود.		
۱۱	یکی از شاخصهای پیشرفت، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است.		
۱۲	روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط لازمه پیشرفت است.	انضباط اجتماعی مایه پیشرفت	
۱۳	از ابعاد پیشرفت قانونگرایی و انضباط اجتماعی است.		
۱۴	پیشرفت در گروی سه اولویت اقتصاد مقاومتی، جهش علمی و مصون‌سازی فرهنگی است.	اقتصاد مقاومتی، جهش علمی و مصون‌سازی فرهنگی و امنیت ملی اولویتهای پیشرفت	
۱۵	ابعاد پیشرفت شامل اقتصادی، علمی، اقتدار و امنیت و استقلال، اخلاق و معنویت است.		

## ادامه جدول ۴: تبدیل مضمون پایه‌ای به سازمان دهنده و فراگیر

ردیف	مضمون پایه‌ای	مضمونهای سازمان دهنده	مضمونهای فراگیر	
۱۶	مبارزه با مفاسد اقتصادی به رشد اقتصادی کمک می‌کند.	مبارزه با مفاسد	رعایت عدالت در همه کارها	
۱۷	اتحاد ملی در اقتصاد موجب پیشرفت است.	اقتصادی با اتحاد ملی		
۱۸	رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود.	اقتصاد عدالت محور		
۱۹	باید عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم.			
۲۰	پیشرفت اقتصادی باید با عدالت همراه باشد.			
۲۱	پیشرفت باید با عدالت همراه باشد.			
۲۲	پیشرفت باید با رفاه عمومی همراه باشد.	عدالت اجتماعی و رفاه عمومی		
۲۳	پیشرانی در علم و تمدن جهانی از اجزای حیات طیبه است.	معنویت‌گرایی و حیات طیبه		اسلامی بودن پیشرفت
۲۴	پیشرفت مادی و معنویت‌گرایی حیات طیبه است.			
۲۵	توکل و اعتماد به خدای متعال و حفظ وحدت و پیوستگی رمز پیروزی و تداوم حرکت است.			
۲۶	رابطه با خدا و معنویت‌گرایی مهمترین عامل پیشرفت است.			
۲۷	پیشرفت ما به پیشرفت دنیای اسلام کمک می‌کند.	پیشرفت ما به پیشرفت دنیای اسلام کمک می‌کند.		
۲۸	فساد اخلاقی، مایه سقوط پیشرفت مادی است.	توجه واقعی		
۲۹	اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است.	به اخلاق		

پس از دست یافتن به مضمونهای پایه‌ای اکنون نوبت این می‌رسد که مضمونهای سازمان دهنده و مضمونهای فراگیر با توجه به مضمونهای پایه‌ای انتزاع شود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازماندهی دوباره مضمونهای اولیه یا همان مضمونهای پایه‌ای به مضمونهای انتزاعتری دست یابیم که ما را به مضمونهای اصلیترا، فراگیرتر و مرکزیترا رهنمون سازد.

با بررسی و تحلیل مضمونهای مرتبط با توسعه و پیشرفت به سه مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود.

#### الف - لزوم ساخت قدرت درونی و ایجاد اقتدار درونزا

رهبر معظم انقلاب، سالها است که با درک ابعاد پیشرفت، راهبردهایی را به تناسب، خطاب به مسئولان و مردم بیان می‌کنند. اگر این تبیین‌ها از جانب مردم و مسئولان بدرستی دریافت شود و به عنوان معیار عملیاتی در دستور کار قرار گیرد، یقیناً می‌تواند راهگشای بسیاری از معضلات و مشکلات کشور شود. مهمترین مضمون مادی توسعه و پیشرفت، لزوم ساخت قدرت درونی و ایجاد اقتدار درونزا است. در طول تاریخ همواره همه ملت‌هایی که به توانمندیهای داخلی خود توجه کرده، و به عبارتی روی پای خود ایستاده‌اند، توانسته‌اند در هر حالتی خود را از زوال و نابودی نجات دهند و به رشد و شکوفایی دست پیدا کنند و مللی هم که به وابستگی روی آورده‌اند در مدت زمان کوتاهی از بین رفته‌اند. دستیابی به این مضمون مستلزم همکاری و همدلی تمامی مسئولان و مردم ایران است.

#### ب - رعایت عدالت در همه کارها

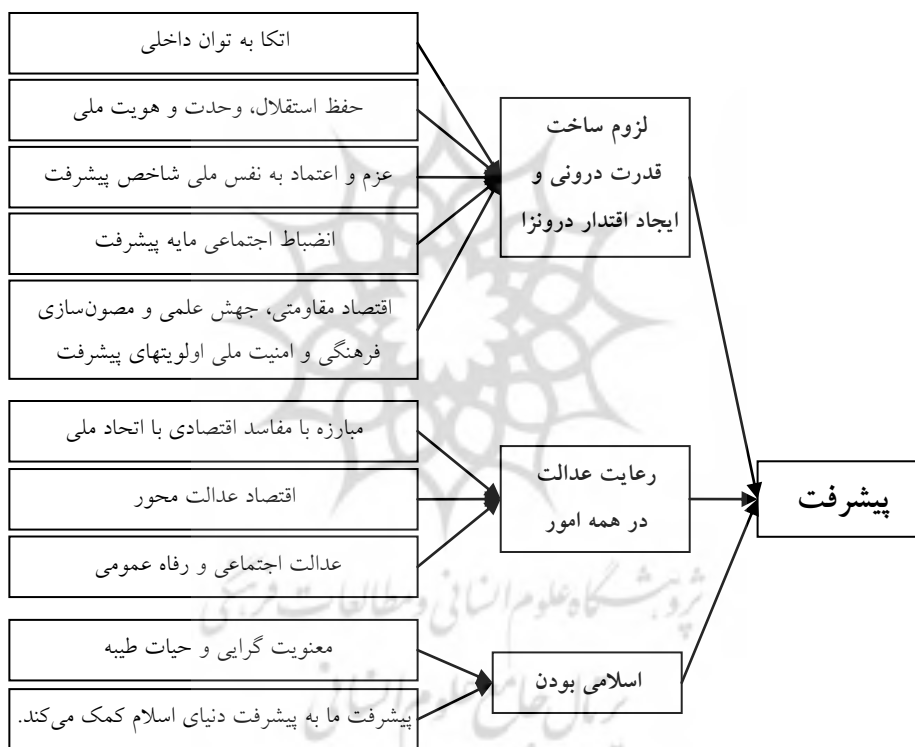
عدالت، موضوعی پیچیده است که رعایت آن در همه کارها بسیار سخت است؛ اما وجود آن در جامعه و احساس آن از سوی عامه مردم موجب آسان شدن مسیر سخت ساخت درونی قدرت ملی می‌شود. نبود عدالت در هر بخشی از این مسیر موجب ایجاد نارضایتیها و ناامیدی و یأس در طی مسیر خوداتکایی است؛ لذا لازمه پیشرفت و توسعه، عدالت همه جانبه است.

#### ج - اسلامی بودن پیشرفت

در جهان بینی اسلامی، کمال نهایی انسان قرب به خداوند متعال و رسیدن به مقام رفیع عبودیت است. بنابراین، آنچه موجب نزدیک شدن انسان به خدا شود، ارزش اخلاقی دارد و هر چه مانع این قُرب باشد یا موجب دوری انسان از خداوند گردد، ضد ارزش و بُد است. در اسلام پیشرفت باید موجب نزدیکی به خدا و کسب رضای او باشد.

نگاه رهبر معظم انقلاب به پیشرفت، معنوی و اسلامی و اخروی است. بالطبع اسلام برای انسان افزون بر نیازهای مادی، خواسته‌های معنوی نیز در نظر دارد. از این رو، نگاه دو بُعدی اسلام به انسان، تعیین کننده مختصات مفهوم پیشرفت در جوامع اسلامی خواهد بود. پیشرفت مورد نظر و تأیید اسلام، وجوه مشترکی با مفاهیم توسعه و پیشرفت در مکاتب دیگر دارد؛ ولی از نظر انگیزه و

هدف نهایی بر یکدیگر منطبق نیست؛ زیرا پیشرفت از نظر اسلام، فرایندی جهتدار است و هدف نهایی آن، رساندن انسان به کمال نهایی شایسته اوست که در جهان بینی اسلامی، کمال نهایی انسان، قرب الی الله به عنوان هستی بخش همه موجودات و سرچشمه تمام کمالات تعریف شده است. تأمین رفاه مادی انسان در حد معقول در مقایسه با هدف نهایی (قرب الی الله)، هدف متوسط و به منزله ابزار رسیدن به هدف نهایی است؛ بنابراین، مفهوم پیشرفت از دیدگاه اسلام، گسترده تر از آن است که فقط در جنبه های مادی هستی بگنجد.



نمودار ۱: شبکه مضمونی پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)

### نتیجه گیری

امروز تلقی ما از مفهوم توسعه، فرایندی همه جانبه است (نه فقط توسعه اقتصادی) که به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم جامعه (به عنوان لازم و ملزوم) معطوف است؛ اما به هر حال واژه پیشرفت

مفهومی هنجاری - دستوری است که باید میان این واژه و اصطلاح‌های توصیفی دیگر مانند توسعه، تمایز قائل شد؛ زیرا مفهوم پیشرفت برای روشن کردن نقش فعال، بالقوه و خلاق ارزشهای اجتماعی - فرهنگی در مفاهیم رشد و توسعه، مطرح می‌شود. پیشرفت، چند بُعدی است و همه شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. با توجه به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع گوناگون، الگوهای پیشرفت، متناسب با کشورهای مختلف با هم متفاوت است. در هر برهه از تاریخ، شناخت انسان از خدا و گرایش‌های الهی وی، پررنگ‌تر بوده، پیشرفت و رشد انسان و جامعه نیز واقعی‌تر، جامع‌تر و هماهنگ‌تر با نظام آفرینش بوده است.

می‌توان گفت اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب به عنوان مجموعه‌ای نظام‌مند از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی می‌تواند ما را در رسیدن به سر منزل مقصود، راهنما باشد.

در این پژوهش پس از بررسی مفاهیم توسعه و پیشرفت در نگاه اندیشمندان، سعی شد با استفاده از تحلیل مضمون، این مفاهیم را در اندیشه‌های مقام معظم رهبری جستجو کنیم که در این جستجو سه مضمون لزوم ساخت قدرت درونی و ایجاد اقتدار درون‌زا، رعایت عدالت در همه کارها، اسلامی بودن پیشرفت استخراج شد.

#### منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه. چ سوم. تهران: کلمه.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). حدیث ولایت (لوح فشرده مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای). تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۴). شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). امام مهدی (عج) موجود موعود. قم: انتشارات اسرا.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۹). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: سفیر.
- صیامی، زهرا (۱۳۸۱). چرا صنعتی نشدیم؟. تهران: امیرکبیر.

شیخ زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت). دوره ۵، ش ۲: ۱۵۱ تا ۱۹۸.

علوی، پرویز (۱۳۸۳). دولت پهلوی و توسعه اقتصادی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

علوی، پرویز (۱۳۸۶). ارتباطات سیاسی. ج دوم. تهران: علوم نوین.

مارک، هنری پاول (۱۳۷۴). فقر، پیشرفت و توسعه. ترجمه مسعود محمدی. تهران: وزارت امور خارجه.

موحدی، مسعود (۱۳۸۳). تعیین ویژگیهای فرهنگ ملی اسلامی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. کمیسیون فرهنگی.

مولانا، حمید (۱۳۷۱) گذر از نوگرایی. ترجمه یونس شکرخواه. تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

نجفی علمی، کاظم (۱۳۸۳) تعیین چگونگی اجرای سیاستهای کلی بر اساس اصول و مبانی سیاستهای فرهنگی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. کمیسیون فرهنگی.

نظربور، محمدنقی (۱۳۷۸). ارزشها و توسعه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

#### منابع انگلیسی

- Attride Stirling, J., 2001. Networks Thematic: An Analytic Tool for Qualitative Research, Qualitative Research, Vol. 1, No.3 , pp. 385 - 405.
- Braun, V. & Clarke, V. ,2006 . Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No.2, pp. 77- 101.
- M. B Miles, A. M Huberman, 1994. Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook, Canada: Thousand Oaks.
- N King, C. Horrocks, 2010. Interviews in qualitative research, London: Sage Publications Ltd.